

ج: بازگشت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: الا خيركم بدائكم و دوائكم، دائكم الذنوب و دوائكم، الاستغفار.

جریان 1: بیماری در خارج به پزشك اعصاب مراجعه می کند، می گوید: دلم آرام ندارد و بیماری مربوط به درون است، خواهشمندم دارویی بدهید من بخورم در نتیجه دلم آرام بگیرد.

پزشك چند سؤال از بیمار می کند و دستور خواندن کتابهایی که مربوط به لطائف و فکاهیات که داستانهای خنده دار است می دهد.

پس از چند روز دوباره بیمار به همان پزشك مراجعه می کند. پزشك دستور می دهد کتابهایی که مربوط به فلسفه می باشد را مطالعه می کند. بالاخره در دفعه سوم مراجعه، بیمار ناراحت شده می گوید: ای آقا من دلم آرام ندارد و بیقرارم، اگر نمی توانی مطالعه کنی. پس پزشك دیگری را معرفی کن که بتواند مرا بخنداند. پزشك می گوید: کسی را سراغ دارم که مردم را خیلی می خنداند و در صحنه تأثر و سینما ظاهر می شود، من تأثیر او را دیده ام. در صورتش هم ماسك دارد، خلاصه پزشك تعریف می کند، سرانجام بیمار می گوید: او منم، اما دلم آرام ندارد، چه کنم دل بی قرارم آرام بگیرد.

جریان 2: جریان راکفلر و کلام او در آرامش:

شکل این چنین افرادی از کجاست، کدام عامل می تواند دلهای اینها را از بی قراری در آورده درمان کند.

قرآن کریم پاسخ این سؤال را داده می فرماید: «**الا بذكر الله تطمئن القلوب**». آگاه باشید که با یاد خدا دلها آرام می یابد. ولی این نیاز به مقدمه ای دارد که آیه قبلی متعرض آن می گردد و آن (انا به) به سوی خداست و خدا فقط کسی را که بسوی او باز گردد، مشمول هدایتش قرار می دهد. «و یرحمی الیه من انا» و البته لازمه بازگشت بسوی خدا نیز برگشت از گناه و کدورتهاست. فرمود: ای مردم آیا شما را خبر ندهم که درد شما چیست و درمان آن چه هست، مشکل از گناهان است و درمانش نیز استغفار.

آثار و فوائد توبه:

1. علاج معصیت: اولین آثارش این است که گناهان آدمی آمرزیده شده و از عقاب الهی در امان می ماند. همچنانکه در روایت آمده **التائب من الذنب کمن لا ذنب له**.

قال: **إنَّ اللهَ عزَّ وَّ جَلَّ اعطى التائبين ثلاث خصال لو أعطى خصلة منها جميع اهل السماوات و الارض لَنَجُوا بِهَا قوله عزَّ وَّ جَلَّ: «انَّ اللهَ یحبُّ التَّوابين و یحبُّ المتطهرين».** «فمن احب الله لم یُعَذِّبْهُ، و قوله: **الذين یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمده و یرتضون للذین آمنوا ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم ربنا و ادخلهم جنات عدن التي وعدهم... و قهم السیئات... الا من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً فاولئک یدل الله سیئاتهم حسنات و کان الله غفوراً رحیماً**».

خداوند به توبه کننده سه خصلت می دهد که اگر یکی از آنها را به تمامی اهل آسمان و زمین بدهد، به سبب آن همگی نجات می یابند: 1) خدا نسبت به توبه کنندگان فرمود: **ان الله یحب التوابین**، پس کسی را که خدا دوست دارد عذاب نمی کند.

2) حاملان عرش و فرشتگانی که اطراف آنها را گرفته اند، برای توبه کنندگان طلب آمرزش کنند. و گویند: ای

خدایی که همه چیز را به علم و دانشت فراگرفته‌ای، آنانکه توبه کرده و از راه تو پیروی نموده‌اند را ببخش و از عذاب دوزخ باز دارد. پروردگار آنها را به بهشت جاویدان درآور و از بدیها دور فرما.

3) خداوند تعالی خودش نیز آمرزش و رحمتش را برای او قرار دهد.

2. تبدیل گناهان به نیکی‌ها:

خداوند در قرآن عظیم‌الشأن می فرماید: «**الا من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً فأولئك يبدل الله سيئاتهم و كان الله غفوراً رحيماً.**»

آنکه توبه کرده و ایمان آورد و کردار شایسته کند همانهايند که خداوند بدیهایشان را به خوبیها تبدیل می کند و خداوند آمرزنده و مهربانست بلکه در روایات آمده که خداوند تعالی: «**مبدل السيئات بأضعافها من الحسنات**» است یعنی بدیها را به چندین برابر خوبیها تبدیل می کند.

لذا پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به ابوذر غفاری فرمود:

«يا اباذر! ان العبدَ لَيُذنبُ فيدخلُ بذنبه ذلك الجنة! قلت و كيف ذلك بابي انت و امي يا رسول الله؟ قال: يكون ذلك الذنب نصب عينيه، تائباً منه، فاراً الى الله عزّ و جل حتى يدخل الجنة. 1

بدرستی که بنده‌ای گناه می کند و به سبب همین گناه وارد بهشت می شود!

پرسیدم: چطور! پدر و مادرم به فدایت ای رسول‌خدا؟ فرمود: این گناه همیشه در جلوی چشمانش مجسم است و او همیشه از آن توبه می کند و از گناهانش به سوی خدا فرار می‌نماید تا اینکه وارد بهشت می شود. محبوب خداوند تعالی می شود.

«اگر بگویی در توبه به غیر از علاج معصیت و... چه لذت و شرافت است؟! گویم مگر کرامت و بشارت عظمای «**ان الله يحب التوابين**» را در قرآن مجید ندیده‌ای، یا اینکه تصور مقام و محبت خدا را نکرده‌ای؟ محبت خدا نسبت به خلقتش «**تمكن العبد من ان يتعالى بساط انسه**» می‌باشد. یعنی دست عبدش را گرفته و او را به سوی بساط انسش می کشد اهل حق گویند: محبت خداوند به بنده‌اش اینستکه، کشف حجب برای او می کند و او را از جوار و قرب و لقاء خویش بهره‌مند می گردند. 2

مثال:

اگر کسی با فردی با فضیلت و عالمتر دوست گردد، این علاقه رفاقت و صمیمیت مابین، باعث می گردد که او نیز مانند آن فرد به مرحله علم و فضیلت برسد. تا بدانجا که عاشق عکس و فتوکپی معشوق می گردد.

از این روستکه خداوند تبارک و تعالی فرمود:

«يا بن آدم! انا حيّ لا اموت إعمل بما أمرتك و انت عَمَّا هَمَّكَ حتى أجعلك حياً لا تموت.

یابن آدم! انا ملك لا ازل اذا قلت لشيء كن، فيكون اطعني فيما امرتك و انت عَمَّا هَمَّكَ حتى تقول لشيء كن فيكون. 3

ای انسان [اگر در پی این و آن، به دنبال زیباییها و کمالات هستی بدان که قدرت و زیبایی آنها همیشگی

نیست، پس بسوی من بیا، زیرا] من زنده‌ای هستم که مرگی ندارم، به آنچه فرمانت داده‌ام عمل کن و از آنچه نهیت کرده ام دست بردار، تا تو را [نیز] زنده‌ای قرار دهم که مرگی برای تو نباشد.

ای فرزند آدم! من پادشاهی هستم که زوالی برای حکومت من متصور نیست. اگر به چیزی بگویم بشو، خواهد شد.

تو نیز به آنچه فرمانت داده‌ام اطاعت کن و از آنچه نهیت کرده‌ام دست بردار (تا تو هم خداگونه شوی) اگر به چیزی بگوئی بشو انجام پذیرد.

امید بخش‌ترین حدیث قدسی:

«لو علم انّ المدبرون عنی، کیف انتظاری بهم و شوقی الی توبتهم لامتوا شوقا الی»

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: اگر آنانکه به من پشت کرده و رویگردان شدند، می‌دانستند که چقدر ایشان را دوست داشته و منتظر بازگشتشان هستم، هر آینه از شوق، بند از بندشان پاره می شد و می‌مردند.

شوق دیدار

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در توضیح حدیث فوق مثال بسیار جالبی زده می فرمایند:

مردی در بیابان به همراه قافله‌ای است، در هنگام حرکت قافله شتر او گم می شود. شب بسیار تاریکی است. در آن تاریکی در میان بیابان از شتر خود جستجو می کند. کاروان حرکت می کند. آن مرد به همراه خود نه خوراک، و نه آبی دارد. آنقدر در پی شتر تفحص می کند تا مأیوس می شود، با يك دنیا یأس و ناامیدی به جای اول (فرودگاه قافله) برمی گردد، نه تنها ناامید از جستجو بلکه خستگی و گرسنگی و تشنگی از یکسو و ترس و وحشت از سوی دیگر؛ در آن تاریکی سر به زانو می‌گذارد، تنه‌است، وسیله دفاع ندارد، هر آن منتظر است حیوانات درنده به او حمله کنند و پاره‌پاره‌اش نمایند. دیگر رمقی در وی نمانده. ناگهان شخصی پیدا می شود، آنچنان سلامی می کند که تنهایی و وحشت، یکباره رخت برمی‌بندد. شترش را به او داده، می گوید: «سوار شو، حرکت کن تا تو را به کاروانت برسانم.

با این خصوصیات آن مرد از پیدا شدن چنین شخصی و بازگشت شترش چقدر شاد و مسرور می شود، خداوند از توبه بنده‌اش بیش از مرد عقب مانده از کاروان، سرور و خوشحالی دارد. [4](#)

جدا چقدر بی انصافی است اگر انسان از این همه رحمت محروم گردد، چقدر نادان‌بخت که خدا آنچنان شیفته گنهکار شود و انسان برنگردد. روایت شده که: «اللّٰهُ افرح بتوبة عبده من العقيم الوالد و من الضالّ الواجد، و من الظمآن الوارد. [5](#)

پی پیوست‌ها

[1](#) - ابوذر، وجدان بیدار آدمیت، ترجمه: هوشنگ اجاقی، ص267.

[2](#) - لقاءالله

[3](#) - احادیث قدسی «یابن آدم»، گردآورنده: سید محمد حسن مشکوة، ص54.

[4](#) - پند تاريخ، ج4، ص231، معراج السعادة، ص527، انوار نعمانية، ص88.

[5](#) - ميزان الحكمة، ج1، ص541.

html/>